

ادله نقلی اثبات وجود خداوند متعال از دیدگاه سه مذهب کلامی (امامیه، اهل حدیث و اشاعره)

□ محمدباقر حلیمی

چکیده

آموزه های دینی محور تمامی علوم و معارف است. موضوع خدا شناسی و تصدیق وجود خداوند متعال سر سلسله مباحث اعتقادی و دینی است. برای رسیدن به تمامی اصول اعتقادی مانند توحید، نبوت و .. ، احکام عملی و ارزش های دینی و اجتماعی باید به وجود خالق یکتا، اعتقاد و باور داشته باشیم. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید: مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ. (آمدی، ۱۴۰۷ هـ ق غرر الحکم، حرف م، ۶۶۲، ح ۱(۲۲۲۴). ادله ای نقلی اثبات وجود خداوند متعال، از طریق آیات قرآنی و روایات بدست می آید و مؤید براهین عقلی است و انسان را به یقین و تصدیق وجود خالق یکتا رهنمایی می کند. روش تحصیل این براهین بررسی تطبیقی منابع کلامی مذاهب است. محققین تمامی مذاهب کلامی بگونه های مختلف به آن پرداخته اند. سه مذهب کلامی (امامیه، اهل حدیث و اشاعره) که ما در این پژوهش مختصر آورده ایم. آنچه از بررسی برخی منابع آن ها بدست می آید به صورت مجزا در باره موضوع پژوهش، تحقیق و اظهار نظر نموده اند. دانشمندان مذهب امامیه با مبنایی عقلی که دارند با روش استدلالی به صورت بسیار عالی و گسترده براهین اثبات را تبیین نموده اند. و برای تأیید مبنایی عقلی با آیات و روایات هم استدلال نموده اند علمایی اهل حدیث بیشتر روی ادله نقلی تکیه نموده اند. متکلمان اشاعره با هر دو روش استدلال کرده اند. و در نتیجه برهان حدوث و قدمکه هر سه مذهب به آن تمسک نموده و از نقل هم استنباط کرده اند و دلیل فطرت که مذهب امامیه و اهل حدیث بدست آورده اند و برهان نظم و تدبیر که امامیه به آن اشاره نموده است.

واژگان کلیدی: ادله نقلی، اثبات وجود خدا، امامیه، اهل حدیث، اشاعره.

مقدمه

معارف الهی بحری است که توفیق و مهارت می طلبد تا انسان در آن شنا کند و قطره ای از آب زلال که از سر چشمه ای وحی تراوش می کند سر بکشد و درون خود را با انوار آن، ضیاء بخشد، هر مسلمان و متدین به این دین آسمانی و مقدس موظف است با معارف و آموزه های اسلامی و دینی تا حد توان آشنایی پیدا کند، تا بتواند با آگاهی و معرفت به وظایف دینی خود عمل نماید هر چند کسب دانش و علم خود از ضروریات انکار ناپذیر است. و مکتب انسان ساز اسلام تأکیدات زیادی بر علم آموزی نموده است و در متون دینی این مکتب توصیه های فراوان برای تحصیل دانش مشاهده می گردد. خداوند متعال در آیات از قران کریم، نقش علم و دانستن در حیات انسان را بسیار عالی بیان نموده است و میفرماید: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خرد مندان متذکر می شوند». (سوره زمر، آیه ۹).

در آیات دیگر با تشبیهات بسیار زیبا که مفاد و مضرات آن قابل مشاهده و دید برای همه است به تصویر کشیده است و به صورت پرسش می فرماید: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؛ بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی اندیشید؟» (سوره انعام، آیه ۵۰) در آیه از کلام خداوند متعال، انسان عالم و آگاه به بینا و آدم جاهل به کور تشبیه شده است. و در آیه دیگر به صورت حکم قطعی و گویا جواب برای پرسش قبلی است میفرماید: وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ؛ و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، (سوره فاطر، آیه ۱۹) وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ؛ و نه ظلمتها و روشنایی، (سوره فاطر، آیه ۲۰) پس جهل و نادانی، ظلمت است. دانایی و آگاهی، نور و روشنایی است، که انسان در فضایی نورانی، مسیر خود را دقیق و درست می پیماید، زود تر و راحت تر به مقصد و هدف انتخابی خود می رسد. به همین دلیل است که رسول گرامی اسلام میفرماید: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ تحصیل علم و دانایی بر هر مرد و زن مسلمان فریضه است. (مجلسی ۱۴۰۳ ه.ق: ج ۶۷ ص ۴۸ ۲. پس هر مسلمان در صورت امکان باید به آن بپزدازد. خصوصا در تحصیل و کسب معارف و آموزه های اسلامی، با علم و آگاهی، گام برداشتن و حرکت کردن امر ضروری است، تا بتواند با عافیت به مقصد برسد و از خطرات و وسوسه اغواگران که ممکن است در مسیر رسیدن به هدف والا، در کمینش باشد، سالم بماند. بر اساس آنچه از متون دینی بر می آید، سرسلسله

تمام معتقدات دینی ایمان به خداست. شناخت خدای متعال در رأس آموزه های دینی قرار دارد، هر حقیقت جو و دانش طلب که می خواهد در این مسیر گام بر دارد باید از ابتدای مسیر یعنی معرفت الهی آغاز نماید، پیامبر گرامی اسلام فرموده اند: **أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ وَ آخِرُهُ التَّفْوِیْضُ الْأَمْرِ إِلَيْهِ؛** آغاز علم شناخت خدای متعال است و آخر علم تفویض امر به خداوند یکتا است). امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در خطبه ای اول نهج البلاغه این حقیقت را چنین زیبا تبیین می نماید: **أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ...**؛ آغاز دین شناخت خداوند متعال است و کمال شناخت او تعالی، تصدیق خداوند و ایمان به اوست و کمال تصدیق خدای متعال یک و یگانه دانستن او است. (نهج البلاغه خطبه ۱). در حدیث دیگر امیرالمؤمنین می فرماید: **ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛** ثمره علم، شناخت خداوند متعال است. (آمدی، ۱۴۰۷ هـ ق غررالحکم، حرف ثا، ص ۳۴۷، ح ۱) د. پس سرسلسله معارف دینی اثبات وجود خداوند متعال و خدا شناسی است. برای تحصیل براهین اثبات وجود خداوند متعال لازم است به منابع کلامی و اعتقادی مراجعه نموده و ادله ای که بزرگان هر مذهب ارائه کرده اند بررسی نمود. بر همین اساس مطالب که به طور فشرده در این تحقیق گیرد آوری شده است روی موضوع ادله نقلی سه مذهب کلامی (امامیه، اصحاب حدیث و اشاعره) است.

سؤال اصلی

- دیدگاه مذاهب کلامی امامیه، اهل حدیث و اشاعره در باره ادله نقلی اثبات وجود خدای متعال چیست؟

سئوالات فرعی

- ۱- مذهب امامیه با کدام آیات و چگونه برای اثبات وجود خدای متعال استدلال کرده اند؟
- ۲- مذهب کلامی اهل حدیث چگونه با آیات و روایات برای اثبات وجود خدای متعال استدلال کرده اند؟
- ۳- مذهب کلامی اشاعره چگونه با آیات و روایات برای اثبات وجود خدای متعال استدلال کرده اند؟

فرضیه تحقیق

این پژوهش دو فرضیه ذیل را به دنبال دارد.

۱- هر سه مذاهب کلامی برای اثبات وجود خداوند متعال با آیات و روایات استدلال کرده اند.

۲- مذهب کلامی امامیه برای تأیید ادله عقلی از آیات و روایات بهره برده اند.

مذهب کلامی امامیه

برهان فطرت: مبدأ، فطرت اولی است و معاد عود بآن فطرت است، خداوند متعال در قران کریم می فرماید: فَأَقَمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند! (سوره روم، آیه ۳۰). خداوند متعال از اول بود و حال آن که هیچ چیزی دیگری نبود، کان الله و لم یکن معه شیء، پس خلق را از نیست، هست گردانیده باز می فرماید: وَقَدْ خَلَقْتَنِي مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ تَكُنْ شَيْئًا؛ و قبلاً تو را آفریدم در حالی که چیزی نبودی! (سوره مریم، آیه ۹). و به آخر خلق نیست شوند و خدا هست بماند، باز خداوند می فرماید: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ؛ همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می شوند، و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند! (سوره الرحمن، آیه ۲۷) پس چنانکه هست شدن خلق بعد از نیستی مبدأ خلق است، نیست شدن بعد از هستی معادشان باشد. چه آمدن و رفتن چون مقابل یکدیگرند هر يك عين دیگری تواند بود، باز می فرماید: كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ؛ (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می گردانیم. (سوره انبیاء، آیه ۱۰۴) و از این جاست که بحکم مبدأ خدا بگوید و خلق جواب دهد، أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (سوره اعراف، آیه ۱۷۲) و بحکم معاد خدا بگوید و هم خدا جواب دهد، لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ؛ (و گفته می شود:) حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است! (سوره اعراف، آیه ۱۷۲) و خلق چون اول از خدا وجود

یافته‌اند و نبوده‌اند پس بآخر هست شده‌اند، پس وجود بخدای سپارند، *إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي*؛ و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است! (سوره علق، آیه ۸) پس نیست شوند، *كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ*؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود؛ (سوره قصص، آیه ۸۸) منه المبدأ و الیه المعاد» (طوسی، ۱۳۶۶ ه.ش، آغاز و انجام، ص ۹ و ۳ و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در خطبه هایش شناخت خداوند متعال و اخلاص به او را فطری انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید: کلمة الاخلاص فانها الفطرة؛ اخلاص به خداوند متعال همانا فطرت بشر است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰) باز می‌فرماید: ما انقذت له العقول معترفت به و مسلمة له؛ خردها به خدای متعال معترف‌اند و گردن می‌گذارند و تسلیم اویند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵)

استدلال با آیات

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِبِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ به درستی در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز و کشتی‌ها که در دریا بسود مردم در جریانند و در آنچه که خدا از آسمان نازل میکند یعنی آن آبی که با آن زمین را بعد از مردگیش زنده می‌سازد و از هر نوع جنبنده در آن منتشر میکند و گرداندن بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین مسخرند آیات و دلیلهایی است برای مردمی که تعقل کنند. - *وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ*؛ و بعضی از مردم کسانی هستند که بجای خدا شریک‌ها می‌گیرند و آنها را مانند خدا دوست میدارند و کسانی که بخدا ایمان آورده‌اند نسبت باو محبت شدید دارند، و اگر ستمکاران در همین دنیا آن حالت خود را که در قیامت هنگام دیدن عذاب دارند ببینند میفهمند که تمامی نیروها از خداست و خدا شدید العذاب است.

- *إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ*؛ روزی که پیشوایان کفر از پیروان خود بیزاری میجویند و عذاب را میبینند و چاره‌شان از همه جا قطع

میشود. - وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَّرًا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا مِنْكَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ؛ و کسانی که در دنیا کارشان پیروی کورکورانه بود میگویند اگر برای ما بازگشتی میبود ما هم از این پیشوایان (که امروز از ما بیزاری جستند) بیزاری می جستیم اینچنین خداوند اعمالشان را برایشان بصورت حسرتها مجسم میسازد و ایشان هرگز از آتش بیرون نخواهند شد. (سوره بقره، آیات ۱۶۴-۱۶۷).

بیان

این آیات که دلالت بر وجود خداوند متعال و یگانگی او دارد همه در يك سياق و در يك نظم قرار دارند، و بر مسئله نامبرده اقامه برهان نموده، چنین بیان می کند. «علاوه بر اینکه قرآن کریم اصل وجود خدای تعالی را بدیهی میدانند یعنی عقل برای پذیرفتن وجود خدای تعالی احتیاجی به برهان نمی بیند و هر جا از خدا صحبت کرده، عنایتش همه در این است که صفات او را از قبیل وحدت و یگانگی و خالق بودن و علم و قدرت و صفات دیگر او را اثبات کند....»

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...) ، ... سياق خصوص این آیه نیز همان سياق آیه قبلی است، و این آیه پیرامون همان معنایی استدلال می کند که آیه قبلی متضمن آن بود. چون آیه سابق که می فرمود: (وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ) الخ، در حقیقت اگر شکافته شود، معنایش این میشد: که برای هر موجودی از این موجودات، الهی است و اله همه آنها یکی است و این اله یگانه و واحد، همان اله شما است. و در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز، تا آخر آنچه در آیه ذکر شده، آیاتی است که بر این حقایق دلالت می کند، البته برای مردمی دلالت دارد که تعقل کنند. ... سياق آیه برای این است که بر حجتی دلالت کند که هم حجت بر وجود اله است و هم حجت بر وحدت او است، باین معنا که نخست اثبات کند اله موجودات دیگر غیر انسان و نظام کبیری که در آنهاست یکی است و سپس اثبات کند همان يك اله، اله انسان نیز هست. (طباطبایی، ۱۳۷۸ ه. ش، المیزان، ج ۱ ص ۵۹۶) ۴

[تبیین سه برهان (حدوث، نظم و تدبیر)، در ضمن آیات فوق

برهان حدوث و قدم: و اجمال دلالت آیه بر مسئله توحید، این است که می فرماید: این آسمانها که بر بالای ما قرار گرفته و بر ما سایه افکننده، با همه بدایعی که در خلقت آنها است،

صورت است و هر چه پائین تر می آید، دایره اش تنگ تر می گردد، تا در زمین ما در دایره ای تنگ تر، نظامی دیگر به خود می گیرد، حوادث خاص بدان و جرم ماه که باز مختص بدان است و شب و روز و وزش بادهای و حرکت ابرها، و ریزش بارانها، در تحت آن نظام اداره می شود. باز این دایره نسبت به موجوداتی که در زمین پدید می آیند، تنگ تر می شود و در آن دایره معادن و نباتات و حیوانات و سایر ترکیبات درست می شود، و باز این دایره در خصوص يك انواع نباتات، حیوانات، معادن و سایر ترکیبات تنگ تر می شود، تا آنکه نوبت بعناصر غیر مرکب برسد و باز به ذرات و اجزاء ذرات و در آخر به آخرین جزئی که تا کنون علم بشر بدان دست یافته برسد، یعنی به الکترون و پروتون که تازه در آن ذره کوچک، نظامی نظیر نظام در منظومه شمسی می بینیم، هسته ای در مرکز قرار دارد و اجرامی دیگر دور آن هسته می گردند، آن چنان که ستارگان بدور خورشید در مدار معین می گردند، و در فلکی حساب شده، شنا می کنند.

انسان در هر نقطه از نقاط این عالم بایستد و نظام هر يك از این عوالم را زیر نظر بگیرد، می بیند که نظامی است دقیق و عجیب و دارای تحولات و دگرگونی هایی مخصوص به خود، دگرگونی هایی که اگر نبود، اصل آن عالم پای بر جا نمی ماند و از هم پاشیده می شد، دگرگونی هایی که سنت الهیه با آن زنده می ماند. ... اگر از خردترین موجودش چون مولکول شروع کنی و بطرف اجزایی که از آن ترکیب یافته، بالا بیایی، تا بررسی به منظومه شمسی و کهکشان هایی که تا کنون بچشم مسلح دیده شده بیش از عالم و يك نظام نمی بینی، و اگر از بالا شروع کنی و کهکشان ها را یکی پس از دیگری از هم جدا نموده، منظومه ها را از نظر بگذرانی و تک تک کرات را و سپس کره زمین و در آخر ذره ای از آن را تجزیه کنی تا به مولکول بررسی، باز می بینی از آن عالم واحد و آن نظام واحد و آن تدبیر متصل چیزی کم نشده، با اینکه هیچ يك از این موجودات را مثل هم نمی بینی دو نفر انسان، دو رأس گوسفند ... ، و بالأخره هر جفت جفت موجودات را در نظر بگیری، خواهی دید که هم ذاتا مختلف هستند و هم حکما و هم شخصا. پس مجموع عالم يك چیز است، و تدبیر حاکم بر سرپای آن متصل است و تمامی اجزایش مسخر برای يك نظام است، هر چند که اجزایش بسیار و احکامش مختلف است، وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ؛ همه وجوه برای

خدای حی قیوم خاضع است. (سوره طه، آیه ۱۱۱) پس اله عالم که پدید آورنده آن و مدبر امر آن است، نیز یکی است (این برهان دومی است که آیه شریفه بر مسئله توحید اقامه کرده است)» (طباطبایی، ۱۳۷۸ ه. ش، المیزان، ج ۱ ص ۵۹۷) ۴

برهان تدبیر «برهان سومی که در آیه اقامه شده از راه احتیاج انسان است، می‌فرماید: این انسان که یکی از پدیده‌های زمینی است، در زمین زنده میشود، و زندگی می‌کند و سپس می‌میرد و دوباره جزء زمین میشود، در پدید آمدنش، و بقائش، به غیر این نظام کلی که در سراسر عالم حکمفرما است، و با تدبیری متصل سراپای عالم را اداره می‌کند، به نظام دیگری احتیاج ندارد.

این اجرام آسمانی در درخشندگی اش و حرارت دادنش، این زمین در شب و روزش و بادهای و ابرها و بارانهایش و منافع و کالاهایی که از هر قاره به قاره دیگرش منتقل میشود، همه اینها مورد احتیاج آدمی است، و زندگی انسان و پیدایش و بقائش بدون آن تدبیر نمیشود، خدا از ما و رای همه اینها محیط بآدمی است - پس وقتی نظام هستی انسان و همه عالم یکی است، نتیجه می‌گیریم که اله و پدید آورنده و مدبر آن، همان اله و پدید آورنده و مدبر امر انسان است، (این بود آن برهان سوم)». (طباطبایی، ۱۳۷۸ ه. ش، المیزان، ج ۱ ص ۵۹۸) ۴

ابن ابی جمهور احسایی (رح) می‌فرماید: «استدلال به آثار و موجودات از جهت بودن آنها محدثه و این شیوه استدلال را برهان حدوث می‌گویند، این طریق شریف است که قرآن هم به آن اشاره نموده است (سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهٗ الْحَقُّ؛ به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. (سوره فصلت، آیه ۵۳) مراد از آیات، آثار است و مراد به آفاق، آسمان و زمین است و مراد به انفس، نفس انسان است. پس به تحقیق در آثار که دیده می‌شود در این دو جا (آفاق و انفس)، چیزهای است که دلالت می‌کند بر محدث بودن آنها، و این طریق ابراهیم خلیل (ع) است. آن حضرت استدلال کرد به افول، افول حرکت است که دلالت دارد بر حدوث و مستلزم صانع است. همانطوری که خداوند در قرآن کریم از آن حکایت نموده است. بیان این استدلال: همه موجودات در آسمان و زمین محدث است، هر محدث محدث دارد، پس وجود این موجودات مستلزم محدث است؛ محدث از

جمع آنها نیست و متصف به صفات آنها هم نیست، پس محدث قدیم و واجب الوجود است.)) (و کیفیت: الاستدلال بالآثار... احسانی، ۱۴۲۲ ه.ق، کشف البراهین، جلد: ۱ ص ۲۵) ۵

احادیث که دلالت بر حدوث عالم و قدم خداوند متعال دارد و این که تمامی موجودات عالم قائم به غیر بوده و در وجود خود نیازمند، صانع و مدبر توانا است. و آن خالق عالم و موجودات هستی خداوند قادر و عالم است:

- امام رضا علیه السلام خطاب به مفضل می فرماید: یا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ (سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى) أَوَّلُ مَا خَلَقَ، النُّورَ الظُّلْمِيُّ، قُلْتُ: وَ مِمَّا خَلَقَهُ؟ قَالَ: خَلَقَهُ مِنْ مَشِيئَتِهِ ... خَلَقَهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ سَمَاءً وَ أَرْضاً وَ عَرْشاً وَ مَاءً. (خصیعی، الهدایة الكبرى، ص ۴۳۷) ۴

- حدوث عالم که دال بر ازلیت خداوند متعال است از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّالِّ عَلَى وُجُودِهِ بِخَلْقِهِ وَ بِمُحَدَّثِ خَلْقِهِ عَلَى أَرْزَلِيَّتِهِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲)

- امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: الدَّالُّ عَلَى قِدَمِهِ بِحُدُوثِهِ خَلْقِهِ، وَ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى وُجُودِهِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵).

- امام باقر علیه السلام می فرماید: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَزَلْ عَالِماً، قَدِماً، خَلَقَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ. (الطایبی، سال ۱۳۹۶، تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۰ ص ۳۵۴ و علل الشرایع ج ۲ ص ۴۰۷) ۷

روایات فوق دلیل بر وجود خداوند متعال است و از متن روایات فوق کاملاً آشکار می شود که تمامی موجودات عالم هستی محدث است و احتیاج به محدث دارد، محدث و صانع عالم هستی خداوند عالم و قادر است. و وجود او قدیم و ازلی و ابدی است. همین حدوث و خلقت موجودات، دلیل بر وجود اوست.

اهل حدیث

ابن زاغونی می گوید در قران کریم آمده است: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، ۳۰) مُبَيِّنِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (سوره روم، ۳۱) مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعاً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (سوره روم، ۳۲) خداوند می فرماید: پس محکم کن وجهت را و استمرار بده به دین که تشریح کرده است خداوند برایت که عبارت از ملت

حنیف ابراهیم است آن دین که خداوند تو را بر آن هدایت نموده و به کمال رسانده است غایت کمال و فطرت سلیم دارید که همان فطرت الهی که خلق بر آن آفریده شده است که فطرت خدا شناسی و توحید اوست. و از انسان ها در بدو خلقتش اعتراف گرفته و خود شان بر خود شان شاهد قراردادده است عند قوله تعالی: «وَأَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ (الأعراف: ۱۷۲). و في الحديث «إني خلقت عبادي حنفاء، فاجتالتهم الشياطين عن دينهم» (مسلم في الجنة حديث ۶۳) و سنذكر في الأحاديث أن الله تعالى فطر خلقه على الإسلام، ثم طرأ على بعضهم الأديان الفاسدة كاليهودية و النصرانية و المجوسية. (ابن زاغوني، ۱۴۲۵ هـ.ق، الايضاح في اصول الدين) ۸ بيهقی که یکی از علمای اصحاب حدیث برای اثبات وجود خداوند متعال با آیات از قران کریم و تفسیر روایی به صورت که در ذیل ملاحظه می گردد استدلال می کند و می گوید: بعض اشياء، آیات و روایات که دلالت بر حدوث عالم دارند و اینکه عالم محدث و مدبری دارد و آن که محدث و مدبر عالم فقط خداوند یکتا، قدیم و متعال است که شریک و شبیهی ندارد «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيْفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ! (سوره بقره، آیه ۱۶۳)

- أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْفَضْلِ الصَّائِغُ، حَدَّثَنَا آدَمُ بْنُ أَبِي إِيَّاسٍ، حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ الرَّازِيُّ، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَسْرُوقٍ، عَنْ أَبِي الضُّحَى: «وَالْهَيْكُلُ إِلَهُ وَاحِدٌ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَجِبَ الْمُشْرِكُونَ وَ قَالُوا: إِنَّ مُحَمَّدًا يَقُولُ: «إِنَّ إِلَهَكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ» فَلَيَاتِنَا بآيَةٍ إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى قَوْلِهِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

در این آیات نشانه های است برای معرفت الله تعالی برای کسانی که می اندیشند. الله متعال آسمان را به وجود آورد با همه آن چیز های که در آسمان است مانند خورشید، ماهتاب و ستاره ها که مسخرات اند و زمین را خلق نمود با محتویاتش مانند دریا ها، نهرها، کوه ها، معادن و ... و یاد آوری کرد اختلاف شب و روز را و اخذ یکی از دیگری و تذکر داد از

کشتی های که در بحرها در حرکت است برای نفع رساندن به انسانها و تذکر داد از باران های که از آسمان به زمین می ریزد برای زنده شدن طبیعت و شهرها و یاد کرده از حرارت و برودت که پشت سر هم در شب و روز می آید تا رزق و روزی برای انسانها، چهارپاها و جنبنده گان فراهم گردد و یاد آوری نموده از جنبندگان مختلف که در روی زمین در حرکت اند و راه می روند و یاد کرده از اجساد که رنگهای مختلف و زبانهای مختلف دارند و یاد آوری کرده از بادها که در جریان اند و ابرها را در حرکت می آورند که بین زمین و آسمان مسخر اند و آنچه که برای منفعت و روزی حیوانات است و چیزهای دیگری که علائم و نشانه های آشکار بر وجود صانع و مدبر عالم است و این آیات برای کسانی است که تعقل می کنند.

در آیت دیگر الله متعال امر کرده به نظر کردن به آسمان و زمین پس برای رسولش می فرماید: قُلْ انظُرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه های توحیدش) در آسمانها و زمین است!» (سوره یونس، آیه ۱۰۱) یعنی، الله اعلم، از آیات واضح و دلالات روشن. بیان این آیات برای این است که شما هنگامی که به هیئت عالم با چشم مشاهده کنید و با عقل و فکرتأمل و اعتبار کنید عالم را مانند خانه ای ساخته شده و مکمل می یابید که همه مایحتاج زندگی برای ساکنانش محیا و آماده شده است آسمان بالا مانند سقف و زمین بسط داده شده مانند سطح و فرش خانه و ستاره ها مانند مصابیح و چراغها و جواهر مخفی شده مانند ذخایر و انواع گیاه های که آماده شده برای خوردن و پوشیدن و برآورده ساختن احتیاجات. و انواع حیوانات که آماده و مسخر شده است برای سواری و استعمال شده است برای مرافقت. و انسان را خلق کرده به عنوان صاحب خانه که از نعمات محیا شده در خانه استفاده کند. و در همه این موارد که ذکر شد آیات و نشانه های واضح و آشکار است بر اینکه این عالم خالق، صانع و مدبری دارد که با بسیار زیرکی و دانایی آنها را به وجود آورده و تربیت می کند. سپس خداوند متعال دستور می دهد به نظر کردن و توجه نمودن در ملکوت آسمانها و زمین و غیر آن دو از مخلوقاتش در آیت دیگر و می فرماید: أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ، فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ؛ آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین، و آنچه خدا

آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند، بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! (سوره اعراف، آیه ۱۸۵) با توجه به ملکوت و آیات باز می‌گویند آیا نظر نمی‌کنید به ملکوت آسمان و زمین نظر دقیق با تفکر و تدبر تا اینکه استدلال کنید که آنها محل حوادث است پس همه شان محدث است و محدثات بی نیاز از محدث و صانع نیست همان طوری که ابراهیم استدلال کرد به مثل این‌ها و در اخیر از همه آنها قطع ارتباط کرد و به سوی رب روی آورد که او تعالی خالق و منشأ همه آنها است قَالَ:

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ

الْمُشْرِكِينَ؛ من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم! (سوره انعام، آیه ۷۹)

- أَخْبَرَنَا أَبُو زَكَرِيَّا بْنُ أَبِي إِسْحَاقَ، أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسٍّ، حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ الدَّارِمِيُّ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. (سوره انعام، آیه ۷۵) يَعْنِي بِهِ: الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ. لَمَّا رَأَى كَوْكَبًا قَالَ: هَذَا رَبِّي. (سوره انعام، آیه ۷۶) (تا اینکه ستاره غروب کرد و وقتی که ستاره غایب شد) قَالَ: لَا أَحِبُّ الْإِهْلِينَ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَارِغًا قَالَ: هَذَا رَبِّي (تا اینکه ماهتاب غروب کرد و وقتی که ماهتاب غایب شد) قَالَ: لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ. فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَارِغَةً قَالَ: هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ (تا اینکه خورشید غروب کرد و وقتی که خورشید غایب شد) قَالَ: يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. (سوره انعام، آیات ۷۷-۷۸-۷۹).

می‌گوید: انسان‌ها دقیق نظر کنند در انفس خود و فکر کنند در باره آن. در قرآن فرموده است: وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟! یعنی توجه کنند در انفس به آیات و اشاره‌های که در صنعت انسان است که عبارت از دو دست که هر چیزی را با آن می‌گیرند و دو پا که با آن راه می‌روند و دو چشم که با آنها می‌بینند و دو گوش که با آن می‌شنوند و زبانی که با آن سخن می‌گویند و دندان‌های که بعد از بی‌نیازی از شیر مادر برای جویدن غذا برای شان داده و ایجاد می‌شود و معده که غذا را هضم می‌کند و جگری که صفرا را تصفیه می‌کند و رگ‌های که

خون را در تمام وجود می‌رساند و روده های که تفاله غذا را می‌گیرد و از بدن خارج می‌کند همه این‌ها دلالت می‌کند که برای این‌ها صانع و خالق توانا و دانایی است که این‌ها را به وجود آورده است.» (باب: ذُكِرَ... بیهقی، ۱۴۲۳ ه.ق، الإعتقاد والهدایة ص ۲۶) ۹

کوثری با آیه که در ذیل می‌آید بر وجود صانع عالم با این بیان استدلال می‌کند «پس وجود حوادث با این کیفیت دلالت می‌کند بر وجود فاعلی که حوادث را اینگونه ایجاد کند، و در وجود آنها بر اساس اراده و مشیت خود تصرف کند و آنها را مقصور بر مشیتش قرار بدهد، آن چیزی را که می‌خواهد مقدم کند و آن چیزی دیگری را بر اساس مشیت خود به تأخیر اندازد. قال الله تعالی: فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ؛ پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می‌دهد! (سوره هود، آیه ۱۰۷) قال الله تعالی: إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ وقتی چیزی را اراده می‌کنیم، فقط به آن می‌گوییم: «موجود باش!» بلافاصله موجود می‌شود. (سوره التَّحَلُّ، آیه ۴۰)

توضیح مسأله: عالم عبارت است از تمامی موجودات غیر از خداوند متعال، دلیل بر حدوث عالم، تغییر عالم از حالی به حال دیگر است و هر چیزی که مسیر و اوصافش چنین باشد حادث است، و پیامبرگرمی با بهترین شیوه این موضوع را بیان کرده است، بیانی که متضمن این است که جمیع موجودات سوی الله محدث و مخلوق است؛ هنگامی که عده ای سؤال کردند که یا رسول الله از ابتدای عالم خبر بدهید؟ حضرت فرمودند: بلی خداوند موجود بود و حال اینکه هیچ چیزی وجود نداشت، سپس خداوند اشیاء را خلق کرد؛ پس رسول خدا ثابت کرد که تمامی اشیاء غیر از خدا محدث و مخلوق است. و هم چنان ابراهیم خلیل (ع) به تغییر موجودات و انتقال آنها از حال به حال دیگر بر حدوث آنها استدلال کرد، بخاطر که آن حضرت هنگامی که کواکب را دید گفت هذا ربی (وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ؛ و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد. (سوره انعام، آیه ۷۵) فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِهْلِينَ؛ هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» (سوره انعام،

آیه ۷۶) فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ؛ و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می شکافت، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.» (سوره انعام، آیه ۷۷) فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم! (سوره انعام، آیه ۷۸) پس دانسته می‌شود که این موجودات چون تغییر می‌کنند و از حالی به حال دیگر انتقال می‌یابد، فطرتاً محدث و مخلوق است و این تغییر و انتقال دلالت می‌کند بر حدود و مخلوق بودن آنها و برای این مخلوقات خالق است که به وجود آورده است پس ابراهیم خلیل (ع) در آن هنگام فرمود: وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؛ من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم! (سوره انعام، آیه ۷۹) حضرت ابراهیم (ع) در اخیر استدلالش فرمود که من دیگر به هیچ چیزی توجه نمی‌کنم فقط خدایی را میپرستم که خالق آسمان، زمین و سایر کاینات است.» (و أن يعلم الكوثري، ۱۴۲۵ ه.ق، العقيدة وعلم الكلام ص ۸۵) .۱

مذهب کلامی اشاعره،

ابوالحسن اشعری مؤسس مذهب کلامی اشاعره از علما و متکلمان قرن ۴ توضیح می‌دهد: «مسأله: اگر سایل بپرسد: چه دلیل دارید بر اینکه برای مخلوقات صانع است که موجودات را خلق می‌کند و مدبّر است که امور مخلوقات را تدبیر می‌کند، در پاسخ گفته می‌شود: انسان در بین مخلوقات موجودی است که در تمام و غایت کمال است، نطفه ای بوده سپس علقه شد و بعد علقه تبدیل به گوشت، خون و استخوان شده است، و همه می‌دانیم که خود انسان نمی‌تواند خود را از یک حال به حال دیگر تغییر دهد، و می‌بینیم با تمام نیرو و توان عقلی که دارد نمی‌تواند برای خود گوش و چشم خلق کند و نمی‌تواند عضوی از اعضای خود را به وجود آورد و خلق کند، این نشانگر آن است که انسان در حال ضعف و ناتوانی، عاجز تر از انجام این کارها است؛ زیرا کسی که در حال ضعف بتواند کاری انجام دهد در

هنگام توانمندی بطریق اولی می‌تواند آن کار را انجام دهد. می‌دانیم که انسان طفل است، جوان می‌شود، پیر و ضعیف می‌شود. اما خود نمی‌تواند خود را از جوانی به حالت پیری انتقال دهد یا از پیری به جوانی. اصلاً برای انسان هر چه کوشش کند ممکن نیست حال پیری و ضعیفی خود به جوانی و توانایی تبدیل کند. این موارد که توصیف نمودیم نشان دهنده آن است که او قادر بر تغییر احوال خود نیست پس باید ناقلی قادر و توانمندی باشد که او را از حالی به حال دیگر انتقال دهد و امور او را تدبیر کند، و ممکن نیست انتقال ازحالی به حال دیگر بدون ناقل و مدبر؛ همانطور که می‌دانیم، که خانه و عمارت خود بخود بدون صانع و معمار هرگز ساخته نمی‌شود. هنگام که نطفه به علقه و علقه به مضغه، تحول پیدا می‌کند، سپس تبدیل به گوشت، خون و استخوان می‌شود این بزرگترین اعجوبه است. و بهترین دلیل بر وجود صانع است که نطفه را به وجود آورده و نطفه را به حالات دیگر تغییر می‌دهد، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ. أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ؟ آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید آگاهید؟! آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می‌دهید یا ما آفریدگاریم؟! (سوره واقعه، آیه ۵۸ و ۵۹) پس هرگز انسان توانایی و استطاعت ندارد که با حجت و استدلال بگوید آن منی که در رحم میریزد خودش به صورت انسان خلق می‌کند و هرگز نمی‌تواند خلق کند؛ زیرا دیده می‌شود آن وقت که آرزوی فرزند دارد و میخواهد فرزندی به وجود آید، فرزند نمی‌شود و هنگامی که میخواهد فرزند نداشته باشد و از تولد فرزند کراهت دارد فرزند به وجود می‌آید. و خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید: (وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟ و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟! (سوره الذاریات، آیه ۲۱) خداوند متعال نشانه‌ها و آیات خود را در درون وجود ما قرار داده اگر به آیات توجه کنیم و می‌فرماید: آیات مرا در نفس‌ها و درون وجود خود نمی‌بینید. که این آیات همه دلیل بر وجود صانع قادر، عالم و مدبر است و آن صانع فقط الله تعالی است. « (ان سأل سائل فقال: ما الدلیل...، اشعری، اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع ص ۱۹

و (۲۰) ۱۱

فخر رازی در کتاب تفسیر کبیر در تفسیر آیه ۱۶۴ سوره بقره می‌گوید: «بدانید که خداوند سبحان هنگام که حکم کرد به فردانیه و وحدانیت خود، بیان کرد هشت مطلب را که دلالت

می کند بر وجود خداوند متعال در قدم اول و بر وحدانیت ذات خداوند متعال در گام دوم. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* (سوره بقره، آیه ۱۶۴)

و عن سعید بن مسروق قال: سألت قريش اليهود فقالوا حدثونا عما جاءكم به موسى من الآيات فحدثوهم بالعصا و باليد البيضاء و سألو النصارى عن ذلك فحدثوهم بإبراء الأكمة و الأبرص و إحياء الموتى فقالت قريش عند ذلك للنبي عليه السلام ادع الله أن يجعل لنا الصفا ذهباً فنزداد يقينا و قوة على عدونا، فسأل ربه ذلك فأوحى الله تعالى إليه أن يعطيهم و لكن إن كذبوا بعد ذلك عذبتهم عذاباً لا أعذبه أحداً من العالمين فقال عليه السلام: «ذرني و قومي أدعوهم يوماً فيوماً» فأنزل الله تعالى هذه الآية مبينا لهم أنهم إن كانوا يريدون أن أجعل لهم الصفا ذهباً ليزدادوا يقينا فخلق السموات و الأرض و سائر ما ذكر أعظم. (اعلم أنه سبحانه و ... رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، تفسیر کبیر، ج ۴، ص ۵۳) ۲

و در تفسیر آیات ۱۲-۱۷ سوره با این آیه استدلال می کند و می گوید: بدان که خداوند سبحان چون در آیه قبل امر به عبادت خودش نمود، اشتغال به عبادت درست نیست؛ مگر این که الله و خالق هستی را شناخت و در این آیات چند نوع دلیل برای اثبات خداوند متعال بیان شده است. همه این موارد که در آیات ذیل آمده دلیل بر وجود صانع و خالق یکتا است. (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، تفسیر کبیر، ج ۴، ص ۵۴) ۲. قرآن می فرماید: *وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ - ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ - ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ - ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ - ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ - وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ*. (سوره المؤمنون، آیه ۱۷-۱۲).

نتیجه گیری

بررسی ادله نقلی مذاهب کلامی (امامیه، اهل حدیث و اشاعره) نشان می‌دهد که دانشمندان سه مذهب کلامی که در این مقاله مورد توجه بوده است با برخی آیات قران کریم و برخی احادیث بر اثبات وجود خداوند استدلال نموده اند. دانشمندان امامیه تأکید بیشتر روی ادله عقلی دارند و آیات و روایات را مؤیدات ادله عقلی می‌آورند و اهل حدیث و اشاعره بیشتر از ادله نقلی استفاده کرده اند. موارد به اندازه ظرفیت این مقاله تبیین شده است.

با آیه ۳۰ سوره روم مذاهب کلامی امامیه و اهل حدیث بر برهان فطرت استدلال نموده اند. احادیث هم، خدا شناسی را فطری بشر معرفی می‌کند. و در آیه ۱۷۹ اعراف خداوند از بشر اعتراف گرفته است که پروردگار همه فقط خداوند متعال است.

مذاهب کلامی سه گانه با تمسک با آیات ۱۶۳- ۱۶۷ سوره بقره، آیات ۱۲- ۱۷ سوره مؤمنون، آیات ۷۵-۷۹ سوره انعام، آیه ۵۳ سوره فصلت و آیات ۵۸ و ۵۹ سوره واقعه بر دلیل حدوث و قدم با توضیحات متفاوت استدلال نموده اند. ما به علت اختصار نمودن مطلب، با آوردن مواردی اکتفا نموده ایم. در این آیات تبیین شده است که تمامی عالم هستی، حادث و مخلوق است و خالق همه موجودات خداوند متعال است و دانشمندان امامیه با مساعی بیشتر که به این موضوع داشته، دو دلیل دیگر نیز از این آیات سوره بقره استنباط کرده اند: ۱- دلیل تدبیر: این موجودات متنوع عالم هستی و تغییر و تحولات آن احتیاج به مدبّر دارد و مدبّر این امور هم هیچ ذاتی غیر از خداوند متعال نمی تواند باشد. ۲- دلیل نظم. این امور نیازمند ناظم است و ناظم امور هم خداوند متعال است. احادیث که هر کدام مذاهب آورده اند هم سیاق با آیات قرانی و در تفسیر آیات نقل شده است.

آیات و روایات، بشر را راهنمایی می‌کند و متوجه می‌سازد به علائیم و نشانه های وجود خداوند متعال در عالم هستی. توجه و تفکر در تک تک موجودات که همیشه انسان در زمین، آسمان و اطراف خود مشاهده می‌کند، انسان را به خدا می‌رساند و هر کدام بهترین دلیل بر وجود خداوند متعال است. مهم این است که انسان غفلت نکند و به آنها تدبیر و تفکر نماید.

کتابنامه

-
- ابن زاغونی، علی بن عبید الله، مرزا، احسان عبدالغفار (مصحح)، الإيضاح في اصول الدين، ناشر: مكتبة الثقافة الدينية، محل نشر: قاهره - مصر، سال نشر: ۱۴۲۵ ه.ق.، قرن: ۶ .
- احسائي، ابن ابی جمهور محمد بن زين الدين ، كشف البراهين في شرح رسالة زاد المسافرين، جلد: ۱ ص ، ناشر: مؤسسة ام القرى للتحقيق و النشر، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۲۲ ه.ق.
- اشعري، ابو الحسن علي بن اسماعيل، اللمع في الرد على اهل الزيغ و البدع، ناشر: المكتبة الأزهرية للتراث ، محل نشر: قاهره - مصر، قرن: ۴ .
- آمدی، عبدالواحد تمیمی، مکمل: انصاری، مهدي، اکمال غررالحکم و دررالکلم، ناشر: دليل ما، نگارش، قم، ايران، سال نشر: ۱۴۲۲ ه.ق.
- بيهقي، احمد بن حسين ، الإعتقاد و الهداية إلى سبيل الرشاد على مذهب السلف أهل السنة و الجماعة، درويش، عبد الله محمد (محقق) ناشر: دار اليمامة، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۲۳ ه.ق. قرن: ۵ .
- خصيبي، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، بيروت، البلاغ.
- رازی، فخرالدين محمد بن عمر، التفسير الكبير، بيروت - لبنان، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۰ ه.ق .
- الطايبي، نجاح ، تفسير اهل البيت، ناشر: دارالهدى لاهياء التراث، قم، سال ۱۳۹۶ .
- طباطبايي، محمد حسين، تفسير الميزان، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامي، محل نشر: قم - ايران، سال نشر: ۱۳۷۸ ه.ش.، قرن: ۱۵ .
- طوسی ، نصير الدين ، محمد بن محمد، آغاز و انجام، محل نشر: تهران - ايران، سال نشر: ۱۳۶۶ ه.ش.

غزالی، محمد بن محمد، کیمیایی سعادت، محل چاپ، تهران، ناشر: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ۱۸، سال چاپ ۱۳۳۸ شمسی.

الکوثری، محمدزاهد بن الحسن، العقیة و علم الکلام، ناشر: دار الکتب العلمیة، محل نشر: بیروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۲۵ ه.ق.، قرن: ۱۴.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار ناشر: دار إحياء التراث العربی، محل نشر: بیروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۰۳ ه.ق.، قرن: ۱۲.